

جبار باغچه‌بان

زاده ایروان، نویسنده و آموزگار پیشگام کودکان، بنیانگذار کودکانستان باغچه اطفال، بنیانگذار آموزش ناشنوایان، مخترع تلفن گنگ برای ناشنوایان..



جبار باغچه‌بان (۱۳۴۴-۱۳۴۵ ش.)

زاده ایروان، نویسنده و آموزگار پیشگام کودکان، بنیانگذار کودکانستان باغچه اطفال، بنیانگذار آموزش ناشنوایان، مخترع تلفن گنگ برای ناشنوایان، پایه‌گذار جمعیت حمایت از کودکان کرولال، مبتکر تقویم «گاهنامه بصری». از جمله آثار او: زندگی کودکان، شش نمایشنامه، بادکنک، عروس‌بان کوه، درخت مروارید، دستور تعلیم الفبا، الفبای باغچه‌بان، الفبای آسان، اسرار تعلیم و تربی یا اصول تعلیم الفبا، کتاب‌های اول دبستان.

جبار عسگرزاده، معروف به باغچه‌بان، در سال 1264 خورشیدی در شهر ایروان به دنیا آمد. آموزش‌های آغازین خود را مانند دیگر دانش‌آموزان با روش‌های قدیمی و در مسجد گذراند. در پانزده سالگی به‌ناچار آموزش را رها کرد و از خبرنگاران روزنامه‌های قفقاز و از فکاهی‌نویسان روزنامه‌ی ملانصرالدین شد. در سال 1298، پس از پایان یافتن جنگ اول جهانی و پس از فوت پدر و مادرش، به مرنند بازگشت و در مدرسه‌ی احمدیه به کار آموزگاری پرداخت. به دلیل عشق و علاقه‌ی بسیاری که به آموزش و پرورش دانش‌آموزان داشت، خیلی زود نامش بر سر زبان‌ها افتاد. در مهرماه سال 1299 به طور رسمی در اداره‌ی آموزش و پرورش مرنند استخدام و در دبستان دانش به آموزگاری پرداخت.

آموزگاری را در کلاس اول با ده دانش‌آموز آغاز کرد. علت اصلی کم بودن تعداد دانش‌آموزان، تنگدستی خانواده‌ها و دوم مخالفت‌های مکتب‌داران آن زمان بود. رئیس منطقه در آن زمان با تدبیر و اندیشه، اعلامیه‌ای منتشر کرد که به هر یک از دانش‌آموزان یک دست لباس مجانی داده خواهد شد. در نتیجه تعداد دانش‌آموزان کلاس اول به هفتاد نفر رسید و به دلیل آن که کسی توان آموزش همه‌ی آنها را نداشت، برای باغچه‌بان فرصتی پیش آمد تا در عرصه‌ی فرهنگ خود را بیازماید. خانواده‌ها پول خرید کاغذ و مداد نداشتند، در نتیجه بچه‌ها سر راه مدرسه کاغذهای سیگار را جمع می‌کردند و روی آن مشق می‌نوشتند. او از هرکس که امکان داشت یک قران و دو قران می‌گرفت و برای دانش‌آموزان فقیر دفتر و مداد تهیه می‌کرد، صابون و دارو می‌خرید و به خانه‌های آن‌ها می‌برد و به مادان درمان بیماری کچلی را (که در بین دانش‌آموزان بسیار بود) می‌آموخت. این کارهای باغچه‌بان شور و شوق زیادی در شاگردان به وجود آورد که تا آن روز دیده نشده بود.

باغچه‌بان برای آموزش دانش‌آموزان خود از روش‌های نو بهره می‌گرفت که با روش قدیمی که با خشونت همراه بود، بسیار تفاوت داشت. او برای آموزش حساب به دانش‌آموزان از یک تخته سیاه بزرگ و دو چرتکه دیواری (یکی برای آموزش عددهای صحیح و دیگری برای آموزش عددهای کسری) استفاده کرد. با این روش دانش‌آموزان مردود سال گذشته نیز توانستند به‌آسانی در آزمون‌ها پیروز شوند که این باعث امیدواری بیش‌ترباغچه‌بان شد. سال بعد به همراه دانش‌آموزان خود به کلاس دوم رفت، با این امید که تا سال ششم همراه آنها باشد تا سواد خود او هم بیشتر شود، چرا که سواد فارسی او خوب نبود. او تلاش می‌کرد شهرت نیکی برای مدرسه دست و پا کند و خوشیخانه، هر چه بیشتر کوشش می‌کرد، توجه مدیر مدرسه نیز به او بیشتر می‌شد. با وجود این، مدیر مدرسه به نوآوری‌ها و رابطه‌ی دوستانه‌ی دانش‌آموزان با باغچه‌بان حساس شده بود.

باغچه‌بان در آن سال‌ها محبت و گرمی داشتن شخصیت انسانی کودکانی را که در خانه‌های خود صاحب هیچ‌گونه شخصیتی نبودند و تنها بهره‌شان کتک و توستری و فحش بود، وظیفه‌ی اصلی خود می‌دانست و تلاش می‌کرد کمبودهای تربیتی و خانوادگی آنها را جبران نماید و کودک را از شخصیت خود آگاه کند. اما مدیر جوان آن مدرسه، از این نکته‌ی پرورشی آگاه نبود. با وجود این کارها به‌خوبی پیش می‌رفت.

نوآوری‌های باغچه‌بان

باغچه‌بان از همان آغاز شیوه‌ی آموزش سنتی را کنار گذاشت. لحظه‌ای آرام و فرار نداشت و هر روز با یک فکر تازه پا به مدرسه می‌گذاشت. نوآوری‌های وی در آن روزگار مانند شعبده‌بازی شگفتی و تحسین همه را برمی‌انگیخت. برای نخستین بار برای آموزش جغرافیا از نقشه‌ای استفاده کرد که خود آن را ساخته بود. آن نقشه شامل دو تخته‌ی ساده بود که روی آن نمونه‌ای از دریا و اقیانوس و پدیده‌های طبیعی نشان داده شده بود.

باغچه‌بان علاوه بر استعداد و عشق به معلمی، استعداد شاعری، نقاشی، روزنامه‌نویسی و بازیگری و حتی قالب‌کاری داشت که از همه‌ی این توانایی‌ها برای آموزش هر چه بهتر دانش‌آموزان کمک می‌گرفت. او نمایش‌نامه می‌نوشت و بچه‌ها آن را اجرا می‌کردند. به علاوه، او برای نخستین‌بار لباس‌های یک شکل و برنامه‌ی ورزشی برای دانش‌آموزان تدارک دید.

باغچه‌بان در سال 1303 با همکاری آقای فیوضات، رئیس آموزش و پرورش آن زمان آذربایجان، کودکانستانی با نام "باغچه اطفال" بنیان‌گذاری کرد و با نوآوری‌های خود برنامه‌هایی از جمله کاردستی، نقاشی، بازی، نمایش، سرود، شعر و قصه و ... در آن آموزش داد. او نام باغچه‌بان را برای مربیان این کودکانستان و همچنین برای نام خانوادگی خود برگزید.

یکی دیگر از کارهای ارزنده‌ی باغچه‌بان، بنیان‌گذاری کلاسی برای آموزش به دانش‌آموزان کر و لال بود. هنگامی که این فکر نو را با رئیس آموزش و پرورش آن زمان (رئیس فرهنگ) در میان گذاشت، در برابر شور و هیجان خود با این پاسخ دل‌سردکننده روبه‌رو شد که: "اگر تو چنین استعداد و قدرتی داری که لال‌ها را زبان‌دار کنی، بهتر است زبان فارسی را در باغچه‌ی اطفال پیش‌تر کنی. ما به آموزش زبان فارسی به این مردم ترک‌زبان بیش‌تر نیاز داریم تا زبان‌دار کردن کر و لال‌ها".

اما این سخنان دلسرد کننده و کارشکنی‌هایی بسیار دیگر، باعچه‌بان را در راهی که در پیش گرفته بود ست نکرد و او دو روز پس از شنیدن آن سخنان، اعلان ثبت‌نام را در مدرسه نصب کرد. این اعلان، که شبیه ادعای پیغمبری بود، سر و صدای بسیاری به پا کرد تا آنجا که یکی از دوستانش به او گفت: "تو دشمن آبروی خود هستی. چرا فکر نکردی که یهودی‌ها با همه‌ی زرنگی‌شان نتوانسته‌اند در تیریز مغازه باز کنند؟ این دکان چیست که تو باز کرده‌ای؟ مگر تو پیغمبری که می‌خواهی لاله‌ها را زبان‌دار کنی؟ من تا به حال نماز نخوانده‌ام. اما امشب می‌خوانم و از خدا برای تو شفا می‌خواهم!" و باعچه‌بان چه نیکو به او گفت: "این نخستین معجزه‌ی من، که آدم کافری مثل تو به خاطر من مسلمان شد!"

سرانجام پس از کشمکش‌های بسیار، چند کودک کر و لال را نام‌نویسی کرد و پس از شش‌ماه در حضور پدر و مادران و برخی از مقام‌های آموزش و پرورش، از آنها آزمون گرفت. آن روز بچه‌ها برای مردمی که روی در و دیوار مدرسه نیز نشسته بودند، درس خواندند و روی تخته دیکته نوشتند. پس از آن روز باشکوه بود که سیل سیاس‌گذاری‌ها و گرامی‌داشت‌ها به سوی او سرازیر شد که البته در برابر سیل کارشکنی‌ها چندان چشمگیر نبود.

مهم‌ترین نوآوری باعچه‌بان، روشی نو در آموزش الفبا است که به روش ترکیبی مشهور شده است. در این روش، آموزش الفبا بر اساس دانسته‌های پیشین دانش‌آموزان انجام می‌شود. برای مثال، هنگامی که می‌خواهید به کودک حرف "آ" را یاد بدهید اگر این حرف را روی تخته بنویسید و بخواهید که شاگردان آن را بخوانند و بنویسند، اهمیت نمی‌دهند. اما اگر آب را به آنها نشان بدهید، اسم آن را بپرسید و از آنها بخواهید صداها را بکشند، آن دو صدایی را که آب از آن ساخته شده است، پیدا می‌کنند.

دیدگاه باعچه‌بان در آموزش کودکان

باعچه‌بان بر این باور بود که یک کودک نوزاد، که ذهنش از هر گونه دانستن تهی است، بدون آموزش آموزگار، زبان محیط پیرامون خود را یاد می‌گیرد و پر از دانستن می‌شود. اما همین کودک هنگامی که به دبستان می‌رود، نمی‌تواند از پس آموزش برآید و مردود می‌شود. این پیش‌آمد، خلاف نهاد او و قانون آفرینش کودک است. نظرهای باعچه‌بان در آموزش کودکان بر این پایه استوار است که کودک پیش از ورود به دبستان با مفهوم‌های گوناگونی در محیط پیرامون خود آشنا می‌شود و حتی بدون آن که واژه‌ای را به زبان بیاورد، مفهوم برو، بیا، بنشین، در و پنجره و دیگر چیزهای پیرامون خود را درک می‌کند. او چون این مفهوم‌ها را می‌داند، بدون تشویق یا تهدید، واژه‌های مربوط به آنها را می‌آموزد. پس کودک هر واژه‌ای را در برابر چیزی یاد می‌گیرد و راز یادگیری کودکان است.

باعچه‌بان نظرهای خود را پیرامون آموزش الفبا در کتابی با نام "دستورتعلیم الفبا" نوشته است که در سال 1314 منتشر شد. این کتاب پنج فصل دارد:

فصل اول: ویژگی‌های شخصی معلم، معلمی که می‌خواهد به دانش‌آموزانی که تازه وارد مدرسه شده‌اند آموزش بدهد، باید هفت ویژگی داشته باشد. بردباری و شکیبایی، خوش‌رویی و فروتنی، انتظار و امید، جدیت و درست‌قولی، ثبات و جدیت، وقار و سنگینی و احاطه و آمادگی.

فصل دوم: شناخت دانش‌آموزان. شاگردان شباهت‌هایی به هم دارند و تفاوت‌هایی که نهاد آنان و خانواده‌ها و تربیت آنها موجب شده است.

فصل سوم: سرآغاز خواندن و نوشتن (دوره‌ی آمادگی). اصلاح گفتار و مخرج ادای کلمه‌ها، همراه با خواندن کلمه‌ها و نام چیزها و تمرین نوشتن. در گذشته، کار نوشتن بعد از خواندن انجام می‌شد، اما امروزه نوشتن همراه با خواندن از روز اول آموزش داده می‌شود.

فصل چهارم: آموزش الفبا. آموزش باید بر اساس دانسته‌های پیشین دانش‌آموزان انجام شود. موضوع انتخابی برای درس بسیار مهم است که باید مبهم نبوده و در اندازه‌ی درک دانش‌آموز باشد.

فصل پنجم: حرف‌ها و طرز هجی‌کردن (بخش کردن) و ارتباط آموزش با توانایی‌های فکری کودکان. در این مرحله، معلم برای این که بتواند سی و دو حرف را به آسانی آموزش دهد، اول باید توجه دانش‌آموزان را به کیفیت مخرج صداها و تقسیم کلمه به بخش‌هایی که در هر بخش یک حرکت دارند، جلب کند.

نوشته‌های باعچه‌بان

باعچه‌بان کتاب "زندگی کودکان" را که شامل شعر، سرود و چیستان برای کودکان بود در سال 1308 در شیراز چاپ کرد. او چند نمایشنامه برای کودکان نوشته و به اجرا درآورده است. او چند کتاب پیرامون روش آموزش ترکیب نیز نوشته است که از آن جمله است: دستور تعلیم الفبا؛ الفبای خودآموزی برای سالمندان؛ اسرار تعلیم و تربیت یا اصول تعلیم الفبا. چند کتاب هم درباره‌ی آموزش معلمان برای دانشسرای تربیت معلم نوشته است.